



کتابشناسی توصیفی کتاب «منظومه فی سر اسم الله الاعظم» از علی بن ابی طالب (ع)

نگار زیلاوی

○ منظومه فی سراسم الله الاعظم (للامام امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام)
○ محمد بن محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق)
○ حقیق مصوصها و علاق علیها قدم لها محمد عبدالرحیم
○ انتشارات الحکم، سوریه، چاپ اول ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م.

بی شک فضای غلوآمیز برخی جوامع شیعی در جعل و وضع این اشعار تأثیر مستقیم داشته است. آیه الله حسن زاده املی کسانی را که سراینده بسیاری از شعرهای منسوب به اماماند در تکمله منهاج البراعة (۳۱۵-۳۰۶/۱) با ذکر مأخذ نام برده است. به هر روی تحقیق و بررسی درباره صحت و سقم انتساب این اشعار، خود پژوهشی جدی است که در این مجال اندک، نگارنده این سطور متعرض نقد و بررسی این مقوله نخواهد شد. آنچه گذشت مقدمه‌ای بود برای معرفی منظومه‌های منسوب به آن حضرت با عنوان «سراسم الله الاعظم» که به جهت شرح امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق) بر آن، توجه نگارنده را به خود جلب نمود.

این کتاب به سال ۱۹۹۶/۱۴۱۶، به کوشش محمد عبدالرحیم، توسط انتشارات الحکمة دمشق چاپ و منتشر شده است. مقدمه کتاب، مقدمه‌ای در خور معرفی یک نسخه خطی نیست. عبدالرحیم پس از اختصاص صفحاتی به شرح طاعون و وبای سال ۸۹۷ ق که از بلاد روم به سرزمین‌های اسلامی از جمله مصر و شام و حلب و... سرایت کرد؛ به نقل از سیوطی (المقامة الذریة فی الطاعون و الوباء، ۱۹۵ به بعد)، بی هیچ توضیحی درباره ارتباط منطقی نقل این مطالب با متن نسخه خطی مذکور، توضیحاتی مختصر درباره نسخه داده است. به گزارش وی، اصل نسخه در پنجاه و هشت صفحه و هر صفحه شامل یازده سطر است که به خط نسخ زیبا نوشته شده است. کتاب در اصل به ده فصل تقسیم شده بوده که مصحح همان شکل و ترتیب را در چاپ رعایت کرده است. کار اصلی مصحح، شامل توضیحات لغوی براساس قاموس‌های عربی و استخراج آیات قرآنی و احادیث مربوط و توضیح برخی اعلام است. تنها مخطوط مرجع وی، نسخه شماره (۴۴۲۳) کتابخانه ملی اسد دمشق بوده و نسخه‌های بدل مورد مقایسه و ارزیابی قرار نگرفته است.

مصحح، پس از مقدمه و پیش از پرداختن به متن اصلی، حدود ده صفحه از کتاب را به توضیحاتی درباره اسماء نود و نه گانه خداوند و ارزش عددی هر کدام (براساس ارزش حروف ابجد) و تعداد دفعات تکرار هر اسم در قرآن، ویژگی‌های حروف اسم جلاله «الله» و اسم «الرحمن» اختصاص داده است. سپس زیر عنوان «حسبک الله فقد دعوت الله باسمه الاعظم» روایتی را با ذکر سلسله رواه (از قاضی هندابن ابراهیم النسفی تا حسین بن علی بن ابی طالب) از کتاب شیخ عبدالقادر گیلانی (۱۸۴۱-۱۸۶) نیز نزهة المجالس، ۲۰۳ نقل کرده است. [داستان مردی به نام منازل بن لاحق را که فردی خوشگذران و عیاش بوده و به خاطر نفرین پدر فلج شده بود و در نهایت به واسطه دعای اسم اعظم خدا که علی بن ابی طالب به نقل از پیامبر اکرم (ص) به او می‌آموزد، شفا می‌یابد (نک ص ۳۳-۴۰)].

سپس تصویر صفحات اول، دوم و صفحه پایان نسخه خطی آمده و پس از آن از صفحه ۴۷ تا ۹۹ متن نسخه خطی به همراه توضیحات و حواشی مصحح چاپ شده است:

از جلوه‌های خیره‌کننده شخصیت امام علی (ع)، فصاحت و بلاغت کلام اوست. سیدرضی (ره) در مقدمه نهج البلاغه گوید: «آن حضرت یگانه کسی است که به منتهای درجه فصاحت و بلاغت رسیده و از همه گذشتگان و پیشینیان که از آنان سخنانی بر جای مانده گوی سبقت را ربوده و بر همه پیشی گرفته است. سخن او دریایی است ناپیدا کرانه که هیچ سخنوری با آن امام برابری نمی‌کند.» همچنان که از آن حضرت سخنان منثور و مسجع نقل شده که جلوه‌گاه آن، کتاب گرانقدر نهج البلاغه گردآمده سیدرضی (ره) است، سخنان منظوم و شعر نیز از آن یگانه دوران بر جای مانده که در مطاوی کتب مسطور است.

درباره اشعار منسوب به علی بن ابی طالب (ع) آراء مختلف است. جاحظ (د ۲۵۵) گوید: «علی جز رجز شعری نسروده است». یاقوت نیز در معجم الادباء (۴۳/۱۴) به نقل از کتاب تهذیب محمد بن احمد الازهری آورده است که ابو عثمان المازنی تنها انتساب دو بیت شعر به علی بن ابی طالب را صحیح دانسته و سایر ابیات و اشعار منسوب را مجعول دانسته است. یاقوت پس از نقل این روایت، اشعاری را آورده که علی (ع) در جواب نامه معاویه سروده بوده است (۴۸/۱۴).

ابن عبدبره (العقد ۲۴۸/۵) از سعید بن مسیب نقل کرده که: «ابوبکر شاعر بود، عمر شاعر بود و علی شاعرترین سه تن»؛ آنگاه چکامه «لمن رایة سوداء...» را به عنوان نمونه‌ای از اشعار امام می‌آورد. علاوه بر این در جاهای دیگر کتاب خود به مناسبت اشعاری از علی (ع) نقل کرده است (نک: ۱۳۱/۲، ۱۸۸، ۳۶/۴، ۶۸، ۲۹۳، ۳۱۶، ۳۱۸، ۲۳۹/۵، ۲۵۲).

جز این موارد، بسیاری دیگر اگرچه امام را در شمار شاعران ذکر نکرده‌اند، اشعاری از او نقل کرده‌اند. از این جمله می‌توان از طبری (۳۳۶/۶، ۳۳۶/۶)؛ ابن قتیبه (۱۱۵/۱، ۸/۳)؛ مسکویه رازی (۳۴۹/۱)؛ زمخشری (۲۹۵/۲)؛ تفسیر سوره توبه آیه ۸۰؛ طبرسی (۳۷۸/۳)؛ سوره مائده آیه ۹۴؛ شریف رضی (۶۳، ۷۶، ۱۱۱)؛ مقدمه ترجمه تفسیر طبری (۴) و... نام برد.

علاوه بر ادبیات پراکنده در کتب ادب و تاریخ و تفسیر و... چنانکه از منابع بر می‌آید از قرن چهارم به بعد، اشعار امام علی (ع)، توسط شیعیان گردآمده و به صورت دیوان اشعار موجود بوده است. قدیم‌ترین دیوان، «کتاب شعر علی» گردآورده ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی جلودی الازدی البصری (د ۳۳۲ ق) است که پیش از گردآوری نهج البلاغه (به سال ۴۰۰ ق) فراهم آمده بوده است (نک: الذریعه ج ۱ ص ۱۰۱؛ نجاشی ۵۵/۲). پس از آن، از «تاج الاشعار یا سلوة الشیعة» گرد آورده ابوالحسن علی بن احمد فنجگردی نیشابوری (د ۵۱۲ یا ۵۱۳ ق)؛ «الحدیقه الانیقه» و «نوار العقول من اشعار وصی الرسول» هر دو گردآورده قطب‌الدین محمد بن حسین بیهقی کبیری (قرن ششم)، می‌توان نام برد (نک: الذریعه ۲۰۵/۳، ۲۸۱/۶-۲۸۲، ۳۳۲-۴۳۱/۲، ۱۰۱/۱).

با اینکه در قریحه ادبی و ذوق و طراوت و فصاحت و بلاغت کلام علی (ع) تردیدی نیست، لیکن نمی‌توان تمام این اشعار را به ایشان نسبت داد.





گفتار غزالی با جمله «الحمد لله منزل الكتاب ذكراً مفصلاً و جاعل الملائكة رسلاً» آغاز شده است. او پس از حمد و ثنای الهی و اقرار به یگانگی خدا و رسالت پیامبر (ص) درباره انگیزه کار و چگونگی دسترسی به منظومه مکتوب به خط علی بن ابی طالب، اطلاعاتی به دست می‌دهد که در اینجا چکیده‌ای از سخنان او را می‌آوریم:

«و بعد، هذه مقدمة قدمتها لمنظومة من كلام امير المؤمنين و قطب العارفين، ذي المناقب المشهورة و الفضائل المذكورة، مظهر المجاب و مفرق الكتاب امير المؤمنين ابی الحسنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه و رضی عنه و ذلك لما قدمت مدينة السلام بغداد...».

«این نوشتار، مقدمه‌ای است بر منظومه‌ای از امیرالمؤمنین... علی بن ابی‌طالب. هنگامی که در بغداد، در مدرسه نظامیه به تعلیم و وعظ مشغول بودم، روزی از جانب امیرالمؤمنین (مقتدی، حک، ۴۶۷-۴۸۷) احضار شدم. خلیفه گفت: میراثی گرانقدر از امیرالمؤمنین هارون الرشید به دست ما رسیده، مکتوبی است به خط امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب در صنوقی فولادی. به خاطر دارم که خلفاء پیشین بدان تبرک می‌جستند و در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها این صنوق را به همراه داشتند و هر سال با انواع عطریات، آن را معطر و پاک می‌کردند. اکنون که خود در آن نگرستم الفاظی سخت معلق در آن یافتیم که فهم مکتوب را بر من دشوار نمود، اندیشیدم که علم و فضل ابوحامد قطعاً بدان محیط است و این گره به دست او گشوده خواهد شد... سپس خلیفه صنوقی از ابنوس پیش رویم نهاد و از درون آن، صنوق فولادی کوچکتری بیرون آورد که در آن اوراق مذکور به لافه‌ای از دیبای سفید پیچیده و به انواع عطریات و زعفران، معطر شده بود... و در آن ابیاتی مشتمل بر موعظه مردم و تحذیر از مرگ و احوال قیامت و نیز اسماء الهی و مکتوبی دیگر که علت سرودن آن ابیات را توضیح داده بود. براساس این نوشته گویا در بصره، وبا و طاعونی سخت همه‌گیر شده بود، به طوری که جایی برای دفن مردگان یافت نمی‌شد و حیوانات درنده اجساد را می‌خوردند. مردی از اعیان کوفه به نام عبدالله بن حسان مکنی به ابوالمنذر نزد امام علی می‌رود و از این بلیه شکایت می‌کند. (در اینجا غزالی می‌گوید: دانسته نیست این طاعون در زمان ولایت علی بن ابی‌طالب بوده یا خلفای پیشین؟ چنانکه در تواریخ دیده‌ام طاعونی سخت در زمان خلافت عمر رضی الله عنه رخ داده بوده، لیکن معلوم نیست این طاعون، همان طاعون زمان عمر است یا غیر آن؟».

در نهایت پس از گفتگویی کوتاه میان امام علی و ابوالمنذر، امام می‌فرماید: اکنون ابیاتی را که در آن اسم اعظم خداست و کیفیت عمل به آن و عدد حروف آن و حروف نوزده‌گانه‌ای که بر پیشانی ملائکه خازن جهنم نوشته شده، به تو می‌آموزم و مباد که چشم جاهلی بر این ابیات افتد...».

سپس قصیده‌ای تائیه در ۳۸ بیت با مطلع زیر:
لقد بدأت بيسم الله مفتتحاً

أزكى المحامد حمداً لله فافتحت

...

وسمها جنة الاسماء و ألقي بها

أسنة الطمن بالطاعون اذ جرحت

تا بیت پایان:

خذها نفائس در عن مطلبها

بها نفوس كثير القوم ما سمحت

پس از آن قصیده‌ای راثیه در وزنی دیگر مشتمل بر ۳۲ بیت، در این ابیات چگونگی نوشتن حروف نوزده‌گانه در یک دایره توضیح داده شده است. مطلع قصیده چنین است:

أحمدالله و أثنى شكره

فهو مولی زاید من شكره

غزالی ادامه می‌دهد، پس از شرح معانی ابیات، خلیفه بسیار مسرور شد و از من خواست که نسخه‌ای از آن را به صورت حرزی برایش تهیه کنم. به نوشته او، جز این ابیات، اوراق دیگری با خطی متفاوت در صنوق وجود داشته که به گمان وی باید خط ابوالمنذر بوده باشد. این نوشته سبب رسیدن این اوراق به دست هارون الرشید را روشن می‌سازد: اینکه همسر هارون، ماردة کوفی^۴ مادر معتصم، به هنگام ازدواج با هارون این اوراق را به عنوان جهاز خویش به خانه هارون آورده و گفته می‌شود که ماردة از نوادگان ابوالمنذر بوده است. و به همین علت نیز هارون (یعنی وجود اوراق نزد وی) از قدرتمندترین خلفای بنی‌عباس و باشکوه‌ترین ایشان بوده است!

غزالی کتاب را با شرح شمه‌ای از کرامات و تأثیرات غریب این دعا به پایان برده است.

حاجی خلیفه (۶۰۶/۱-۶۰۷) کتابی با نام جنه الاسماء با شرح غزالی را به امام علی (ع) نسبت داده است. وی به مأخذ خاصی اشاره نکرده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در الذریعه الی تصانیف الشیعه این کتاب را زیر همین عنوان با تفصیل بیشتر معرفی کرده است (۱۵۴/۵-۱۵۵). به نوشته او در چاپ بولات (۱۲۵۱ ق) علاوه بر دو قصیده مذکور، ارجوزه‌ای نیز با مطلع «الحمد لله العلی الصادق / الواحد الفرد الطیم الرزاق» چاپ شده است. متن این کتاب (علاوه بر نسخه مستقل کتابخانه شیخ میرزا محمد طهرانی - در سامرا) در «کتاب الادعیه» امیر سیدحسن قزوینی (نک: الذریعه ۳۹۰/۱) زیر عنوان «شرح دعاء جنه الاسماء الممتازه فی الارض و السماء للامام ابی‌حامد الغزالی» آمده است.

نیز سیدمحمد علی هبه‌الدین شهرستانی^۵ در سال ۱۳۲۵ ق. کتابی به نام «جنه السماء» در شرح جنه الاسماء و حرز مشهور امیرالمؤمنین نوشته است (الذریعه ۱۵۹/۵).

عبدالرحمن بدوی با استناد به حاجی خلیفه «شرح جنه الاسماء» را در عداد مؤلفات غزالی آورده لیکن کتاب را موضوع و معمول و واضح آن را به طور قطع فردی شیعی دانسته که خواسته با التقاط برخی حوادث تاریخی با زندگی غزالی و نیز در آمیختن برخی اساطیر و خوارق به داستان، از امام علی (ع) تمجید کند. بدوی علاوه بر این توضیحات نسخه‌های دیگری از کتاب را معرفی کرده است: مخطوط شماره ۱۶۶۱ با شرح ترکی و نیز با شماره ۶۰۶ در کتابخانه سلیمیه استانبول. و دیگر نسخه‌ای با خط فارسی زیبا به شماره ۳۴۱ در دارالکتب المصریه و نیز در همانجا نسخه‌ای با شماره ۲۷۹۹ به خط محمدبن مولانا شمی‌الدین احمد بن الفقیه ابراهیم الدرونسی ثم الاهدی با تاریخ ۸۸۸ با عنوان «شرح دائرة علی بن ابی‌طالب المسماة بجنة الاسماء». نیز نسخه‌ای با عنوان «رساله فی شرح ابیات لعلی بن ابی‌طالب» با شماره عام ۷۶۲۱ در ظاهریه دمشق. (نک: مؤلفات الغزالی، ۳۳۷-۳۴۷؛ ۳۸۱-۳۳۲)

باین همه بدوی در جای دیگر کتابی با نام «المقصدا لاسنی فی شرح اسماء الله الحسنی» به غزالی نسبت داده و سخن خود را به منابع متعدد از جمله ابن‌خلکان، سبکی، ابن‌العماد، ابن‌طفیل و... مستند ساخته است. (همانجا، بدوی ۱۳۵-۱۳۶) به نظر می‌رسد این کتاب همان شرح جنه الاسماء مذکور باشد (نیز نک: حاجی خلیفه ۱۸۰۵/۲).

نسبت کتاب‌های دیگری از همین نوع به غزالی (مانند «أسرار الحروف و الکلمات»، «خواص القرآن و فوائده السور»، «رسالة فی الاحرف الکریمه»)، همچنان به پرسش‌ها و تردیدهایی در این زمینه دامن می‌زند. (نک: همانجا، بدوی، ۴۰۱، ۲۸۳-۲۸۴، ۲۸۹-۲۹۰). همچنین انتساب قصیده‌ای به غزالی با عنوان «سراسم الله الکریم الرحیم» [نسخه خطی در کتابخانه

قادریه بغداد با شماره ۱۱۴۱ (۵)، رساله پنجم ضمن مجموع [نک: الامام الغزالی (مجموعه مقالات)، ص ۱۹۱]، در نقد و ارزیابی کتاب مذکور، باید مورد توجه قرار گیرد.

در مرحله دیگر تحقیق، مقایسه و تطبیق متن این نسخه‌های منسوب به غزالی با موارد مشابه منسوب به امام علی ممکن است در روشن شدن این نقاط مبهم و مشکوک مؤثر افتد. به عنوان نمونه در دیوان امام علی تنوین کیدری (تصحیح ابوالقاسم امامی ص ۵۱۶) ابیاتی غریب «در شرح اسم الله جل جلاله» آمده است. و روایتی که طبرسی صاحب مجمع البیان از رئیس ابوالبدر نقل کرده که او اشکال عجیبی (۱۱۱۵ هـ.ق) را نوشت و گفت که علی بن ابی طالب این اشکال را بر صخره‌ای منقوش یافت و خبر داد که این اشکال اسم اعظم خداست و آن را با سرودن ابیاتی تفسیر فرمود. عنوان این اشعار در چاپ سنگی ایران از دیوان کیدری «الطلسم المشهور» است و در ذریعه «حزب مشهور امیرالمؤمنین». (نک: الذریعه ۴۳۱/۲؛ نیز ابوالقاسم امامی، تعلیقات دیوان ص ۶۸۴).

هرچند امکان تحقیقی فراگیر و روشمند در این زمینه و قضاوت درباره صحت و سقم انتساب این اشعار به علی بن ابی طالب و شرح غزالی، باتوجه به ضیق وقت و در دسترس نبودن نسخ خطی مذکور و نیز توان اندک نگارنده میسر نشد، لیکن امید است ارائه معرفی فوق و اطلاعات جانبی مربوطه، علاقمندان و پژوهشگران عرصه ادبیات شیعی را که متأسفانه برگ‌های ناگشوده و ناشناخته در آن فراوان است، در گام نخست تحقیق، اسباب راهنما باشد.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابن اعثم کوفی، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۱/۴۱۱.
- ۲- بروکلیمان، تاریخ الادب العربی، ترجمه به عربی، عبدالحمید نجار، دارالمعارف بمصر، ۱۱۱۹.
- ۳- ابن عبدربه، العقد الفرید، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۹۰/۱۴۱۱.
- ۴- ابن قتیبه، عیون الاخبار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰/۱۴۱۱.
- ۵- ترجمه تفسیر طبری، تصحیح حبیب یغمایی، انتشارات توس، ۱۳۶۷.
- ۶- نجاشی، رجال، تحقیق محمدجواد نائینی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۸/۱۹۸۸.
- ۷- زمخشری، الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۸- طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح رسولی محلاتی و...، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۸/۱۴۰۸.
- ۹- شریف رضی، خصائص الاثمه (خصائص امیرالمؤمنین)، تحقیق محمدهادی الامینی، مشهد مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۶.
- ۱۰- طبری، تاریخ الرسل و الملوک، بریل، ۱۹۶۴.
- ۱۱- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق محمد محی‌الذین عبدالحمید، مصر، مطبعه السعاده، ۱۹۶۵/۱۳۸۵.
- ۱۲- مسکویه رازی، تجارب الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، طهران، دار روش للطباعة و النشر، ۱۳۶۶ ش / ۱۹۸۷ م.
- ۱۳- یاقوت، معجم الادباء، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۰/۱۴۰۰.
- ۱۴- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۳.
- ۱۵- کیدری، دیوان امام علی، تصحیح و ترجمه ابوالقاسم امامی.
- ۱۶- ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی

للمطبوعات ۱۹۷۱/۱۳۹۰.

۱۷- طوسی، رجال، منشورات المكتبه و المطبعه الحیدریه فی النجف، ۱۳۸۰-۱۹۶۱.

۱۸- مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، بی‌نا.

۱۹- ذهبی، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی ۱۹۸۷/۱۴۰۷.

۲۰- حاجی خلیفه، کشف الظنون، دارالفکر ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

۲۱- علی‌الفاضل القائینی النجفی، معجم مؤلفی الشیعه، مطبعه وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.

۲۲- بدوی، عبدالرحمن، مؤلفات الغزالی، کویته، وكالة المطبوعات، ۱۹۷۷.

۲۳- الامام الغزالی (مجموعه مقالات)، مسؤول تحریر: محمدکمال ابراهیم جعفر، قطر، ۱۹۸۶/۱۴۰۶.

- محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

- شاهرخی، محمود، میراث جاویدان، سال اول، شماره اول.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- قرأت بخط ابی منصور محمدبن احمدالازهری اللغوی فی کتاب التهذیب له: قال ابوعثمان المازنی: لم یصح عندنا ان علی بن ابی طالب علیه السلام تکلم من الشعر بشیء غیر هذین البیتین: تکلم قریش تمنانی لتقتلنی

ولا وجدک ما برؤا ولا ظفروا

فان هلکت فَرَهَنُ ذَمَّتْی لَهم

بذات روقین لایعفو لها اثر
۲- مضمون شعر: برتری‌های علی (ع) به جهت سبقت در اسلام، همسری دختر پیامبر، برادری با پیامبر و...

۳- برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخچه گردآوری شعر امام و فهرست نسخ خطی و دیوان‌هایی که به طبع رسیده، نک: الذریعه ۱۰۱-۱۰۲؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ مقدمه دیوان امام علی، تصحیح و ترجمه ابوالقاسم امامی؛ بروکلیمان ۱۷۶/۱-۱۸۰.

۴- به نقل از محمود شاهرخی، مجله میراث جاویدان، سال اول، شماره اول، ص ۸۴.

۵- ابن حجر عسقلانی درباره شخصی به نام ابوالمنذر می‌گوید: از تابعینی است که حدیثی از او نقل شده لیکن به درستی نمی‌دانیم کیست (۱۱۰/۷). او ذیل اسامی عبدالله نامی از عبدالله بن حسان برده است. شیخ طوسی در رجال خود (ص ۶۴) فردی به نام ابوالمنذر الجهنی را در عداد اصحاب امام علی (ع) آورده است (نیز نک اعیان الشیعه ۴۳۵/۲). مامقانی (۱۷۶/۲) نیز از عبدالله بن حسان بن حمید الکوفی المدني از اصحاب امام صادق (ع) نام برده که ارتباطی به عبدالله مذکور ندارد.

۶- طاعون عمّواس (ناحیه‌ای از اردن) در سال ۱۸ ا ق (نک: ذهبی [حوادث و وفیات ۱۱-۴۰ ق]، ص ۱۷۰؛ ابن اعثم کوفی، ۲۳۸/۱)

۷- باتوجه به اینکه مطالب مکتوب درباره مازده همسر هارون بوده، و با وجود بیش از یک قرن فاصله میان زندگانی (ابوالمنذر) و هارون، چگونه امکان دارد این مطالب به خط ابوالمنذر بوده باشد!

۸- درباره مازده الکوفیه بنت شیبب نک: مسعودی ۴۶/۴؛ ابن عبدربه ۲۵۸/۲، ۹۷/۵.

۹- درباره هیةالذین الحائری الشهرستانی نک: معجم مؤلفی الشیعه، ص ۲۳۰.